



یادها و یادبودها

گفتارهایی در بزرگداشت ۴۰ تن از فرزندان ایران زمین

دکتر احمد کتابی

يادها و يادبودها

کتابی، احمد، ۱۳۱۹ -	سرشناسه:
یادها و یادبودها: گفتارهایی در بزرگداشت ۴۰ تن از فرزندان ایران زمین / احمد کتابی	عنوان و نام پدیدآور:
تهران: نشر خاموش، ۱۳۹۷.	مشخصات نشر:
۲۳۲ص، رقعی	مشخصات ظاهری:
۹۷۸-۶۳۲-۶۰۳۶-۳۶-۸	شابک:
فیبا	وضعیت فهرست نویسی:
گفتارهایی در بزرگداشت ۴۰ تن از فرزندان ایران زمین	عنوان دیگر:
دانشمندان - - ایران - - قرن ۱۴ - - سرگذشتنامه	موضوع:
Scientists _ _ Iran _ _ 20th century _ _ Biography	موضوع:
CT/۱۸۸۶/ک۲ ۱۳۹۷	رده‌بندی کنگره:
۹۲۰/۰۵۵	رده‌بندی دیویی:
۵۵۴۲۲۰۲	شماره کتابشناسی ملی:

یادها و یادبودها

گفتارهایی در بزرگداشت ۴۰ تن از فرزندگان ایران زمین

دکتر احمد کتابی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی



نشر خاموش

نام کتاب:	یادها و یادبودها
نویسنده:	احمد کتابی
طرح جلد:	محمدعلی خفاجی / مجید شمس‌الدین
صفحه‌آرایی:	مجید شمس‌الدین
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:	چاپ دیجیتال نقطه
چاپ / شماره‌گان:	اول ۱۳۹۷ / ۵۰۰ نسخه
قیمت:	۳۵۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۳۶-۳۶-۸

کلیه حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamooshpub.com | www.khamooshpub.ir | @khamooshpubch

تهران، ولنجک، خیابان گلستان سوم، پلاک ۳، همکف

هرگونه کپی‌برداری، برداشت و اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر، منوط به اجازه‌کشی ناشر می‌باشد.

مرکز پخش: پخش ققنوس، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، بن بست مین، شماره ۴

تلفن: ۶۶۴۶۰۰۹۹-۶۶۲۰۸۶۴۰

فروشگاه: کتابفروشی توس، خیابان انقلاب، نیش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸

تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷

فهرست مطالب

- ۱ پیشگفتار
- ۵ بخش یکم، ارج نامه‌ها
پژوهشگری ژرف کاو، همه‌سونگر و نکته‌سنج:
- ۷ استاد دکتر ناصر تکمیل همایون
مظهر بارز دانش‌اندوزی، فرهیختگی و فرزاندگی:
- ۱۵ استاد دکتر زهره زرشناس
دانشی مردی فرزانه از خطه گیلان:
- ۲۱ استاد دکتر باقر قدیری اصلی
مظهر بارز جمع فضل و فضیلت:
- ۲۳ استاد دکتر مهدی گلشنی
- ۳۱ بخش دوم، دریغ‌نامه‌ها
سوگنامه چهلمین روز درگذشت روانشاد:
- ۳۳ مهندس سید عبدالله آل رسول
به مناسبت چهلمین روز درگذشت دانشور فرزانه:
- ۳۵ استاد شریف ادیب سلطانی
به یاد سرچشمه پاک‌ها و نیکی‌ها:
- ۳۹ روانشاد مصطفی ارباب شیرانی
در سوگ او که از سلاله پاکان و از تبار نیکان بود:
- ۴۵ شادروان ناصر ارباب شیرانی

- ۴۹..... یادى از علامه فقید محمدباقر الفت و روانشاد بهاءالدین الفت
در سوگ پدر جمعیت‌شناسی ایران:
- ۵۷..... شادروان دکتر سید مهدی امانی
به یاد جمعیت‌پژوه گرانقدر:
- ۵۹..... دکتر ارژنگ امیرخسروی
ضایعه در پی ضایعه! درگذشت دانشور فرزانه:
- ۶۱..... دکتر محمود بروجردی
بزرگمردی از تبار پاکان و نیکان:
- ۶۳..... شادروان ناصر قلی بهاء صدری
نظیر خویش بنگذاشتند و بگذشتند، در سوگ اقتصاددان و ریاضی‌دان بزرگ:
- ۶۹..... استاد دکتر حسین پیرنیا.....
باز هم ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر! درگذشت:
- ۷۵..... استاد دکتر محمدحسین تمدن جهرمی
«غروب فروغ»، به یاد بزرگ بانوی والا قدری که مظهر اعلاى شرافت، عطوفت
و کرامت بود:
- ۷۹..... روانشاد فروغ‌السادات جعفری (آل رسول)
به یاد ادیب، نویسنده توانا و روزنامه‌نگار متعهد:
- ۸۳..... روانشاد دکتر سید حسن حاج سید جوادی
در سوگ مظهر والای دانشوری، فرهیختگی و وارستگی:
- ۹۱..... استاد دکتر محمد خوانساری
به یاد دوستی دیرین و همکاری فاضل:
- ۹۹..... شادروان دکتر سید محمد دامادی
دریغا تهی از تو ایران زمین! در اندوه فقدان:
- ۱۰۵..... استاد دکتر عنایت‌اله رضا
استاد دکتر عنایت‌اله رضا

فهرست مطالب / ز

چه نالی؟ که پاک آمد و پاک رفت، به مناسبت بیستمین سالگرد درگذشت «پدر
استاندارد ایران»:

- ۱۱۱..... مهندس میراحمد سادات
- ۱۱۵..... در غم جانگدازِ خاموشیِ میرسهیل سادات
باز هم ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر! فقدان استاد و دانشور فرزانه:
- ۱۱۹..... دکتر هوشنگ ساعدلو
در سوگِ خیلِ عزیزانِ رفته از دیدار:
- ۱۲۱..... سبزه منصور (ساعدلو)
و باز هم ضایعه‌ای عظیم، خاموشی استاد:
- ۱۲۳..... دکتر سید جعفر شهیدی
یاد شهیدی، در تعزیتِ استادِ استادان:
- ۱۲۵..... شادروان سید جعفر شهیدی
به مناسبت مراسم بزرگداشت یکصدمین سالگردِ تولد پدر علوم اجتماعی ایران:
- ۱۳۱..... استاد دکتر غلامحسین صدیقی
در رثای پدرِ علم اقتصاد در ایران:
- ۱۳۳..... استاد دکتر منوچهر فرهنگ
رفتی ز پیش دیده و برجان نشسته‌ای! در سوگِ اندیشمند و جامعه‌شناس بزرگ:
- ۱۴۳..... دکتر محمد امین قانع‌راد
نادره مردی ذوفنون، شاعر، ادیب، خطیب و خوشنویس مبرز:
- ۱۴۵..... استاد منوچهر قدسی
در سوگِ دانشی مردی که به راستی «کاردان» بود:
- ۱۴۹..... استاد دکتر علی محمد کاردان
به یاد آنکه اسطوره فضیلت و وارستگی بود:
- ۱۵۳..... استاد بدرالدین کتابی
اشک نبشته‌ای در سوگِ مادر:
- ۱۶۹..... روانشاد بانو شمس‌الملوکِ اربابیان (کتابی)

- ۱۷۷..... به یاد مهین مادری که خُلق و خویِ فرشتگان را داشت
- «پاییز برگ‌ریز»، در رثایِ بزرگ بانویی که نیک بود، نیک زیست و جز نیکی برای آدمیان نخواست ۱۷۹.....
- اندوه‌نامه‌ای در سوگِ «بهترین معلّم دنیا»:
- روانشاد دکتر سید محمدباقر کتابی ۱۸۳.....
- به یاد انسانی والا و دانشوری فرهیخته:
- استاد محمدتقی کتابی ۱۹۱.....
- دلنوشته‌ای به یادِ یارِ دیرین و انسانِ راستین:
- شادروان دکتر علی کلباسی ۱۹۵.....
- در سوگِ مهندس مَزِدکِ کیان‌فر ۲۰۱.....
- به یاد و احترامِ یاریِ دیرین و انسانیِ بزرگ:
- روانشاد دکتر مهدی مهدوی ۲۰۳.....
- «غروبِ مهر»، به مناسبتِ چهلمین روز خاموشی:
- دکتر غلامرضا مهریار ۲۰۷.....
- زنده رودِ فضل و ادبِ اصفهان از حرکت باز ایستاد:
- استاد محمد مهریار ۲۱۱.....
- در سوگِ آن نادره مرد عرصهٔ فرهنگ و ادب:
- استاد محمد مهریار ۲۱۷.....

پیشگفتار

کتابی که پیش روی دارید، مجموعه‌ایست از دل‌نوشته‌هایی که در گذر ایام، به تدریج، فراهم آمده و شامل دو بخش است:

بخش یکم به بزرگداشتِ مقام و منزلتِ والایِ شماری از استادان فرهیخته و فرزنانگانِ وارسته‌ای اختصاص یافته که، خوشبختانه، هنوز سایهٔ پربرکتِ حیاتشان بر سر ما گسترده است و باشد که سالیانی دراز همچنان مستدام بماند.

بخش دوم که صفحات بیشتری را اشغال کرده، مشتمل بر «اندوه‌نامه»‌هایی است که، به مناسبت‌های مختلف، در تعزیتِ درگذشتِ عزیزانی چند از استادان و دانشوران گرانقدر، برخی از همکاران، دوستان و سروران گرامی، پدر و مادر ارجمند و نیز بعضی از اعضای دور و نزدیک خانواده، نوشته شده و بعضی از آنها، در مراسم ترحیم یا یادبود آنان، قرائت شده است. بی‌گمان، این سوگنامه‌ها که، در اصل، به انگیزهٔ بیان اندوه عمیق نویسنده و به منظور عرض تسلیت و اظهار همدردی به بازماندگان آنها ارائه شده، حاوی دستاوردها و آموزه‌هایی بس ارزنده و عبرت‌انگیز از زندگی پرثمر این بزرگواران نیز هست.

در اینجا، یادآوری نکته‌هایی چند را ضروری می‌داند:

۱. از آنجا که این دل‌نوشته‌ها، به تفاریق، و گاه با فاصله‌های زمانی طولانی، نگاشته شده است و اغلب حالت مستقل دارد، امکانِ اینکه در بعضی از آنها، مضمون‌ها، تعبیرها و شعرهای مشابه یا تکراری مشاهده شود، کاملاً متصور است. از این رو، پیشاپیش، از محضر خوانندگان ارجمند، به خاطر آنها پوزش می‌طلبید.

۲. تردیدی نیست که اسامی شخصیت‌های شایستهٔ تجلیل و تکریم، اعم از

زندگان و درگذشتگان، منحصر به موارد یادشده در این مجموعه نیست؛ منتها، از آنجا که نگارنده واپسین سال‌های زندگی را می‌گذراند و هر لحظه این امکان را پیش چشم دارد که مبادا عمرش به تکمیل این مجموعه، که در واقع، هیچ‌گاه تمام شدنی هم نیست، کفاف ندهد، عجالتاً به انتشار این دفتر مختصر اکتفاء می‌کند؛ ولی در هر حال، به این واقعیت اذعان دارد که ناخواسته، از پرداختن به برخی مواردی که، به حق، شایسته تقدیر و تکریم بوده‌اند، غفلت کرده است. امید است، اگر عمری باقی باشد، در آینده به جبران این نقیصه پردازد.

۳. از آنجا که در تنظیم و انتشار این مجموعه شتاب بسیار در کار بوده است، ناگزیر در تبویب کتاب و ترتیب مقالات، بعضی تقدم‌ها و تأخرهای متعارف و لازم (جز ترتیب القبای نام اشخاص) رعایت نشده است که از این بابت نیز، از خوانندگان ارجمند معذرت می‌خواهد.

۴. مقالات این مجموعه (جز در دو سه مورد که تصریح شده) به قلم نویسنده این سطور است.

۵. ناگفته نماند که بعضی از مقالات مندرج در این مجموعه، قبلاً در برخی کتابها، یادنامه‌ها و نشریه‌ها چاپ و منتشر شده‌اند.

در پایان سخن، بر خود فرض می‌دانم مراتب سپاسگزاری صمیمانه خود را از فرزند دل‌بند و فرهیخته‌ام، مهندس مهبان کتابی که همانند دو خواهرش، مونس سالهای سالخوردگی، ناتوانی و تنهایی من بوده و از هیچ مساعدتی نسبت به من، به ویژه بعد از درگذشت همسر، دریغ نکرده است ابراز دارم. بی‌گمان، اگر تلاشهای بی‌دریغ و دلسوزانه او در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه در زمینه کارهای کامپیوتری آماده‌سازی کتاب نبود، ارایه این مجموعه برای چاپ میسر نمی‌شد.

همچنین جای آن دارد از ناشر فرهنگ دوست کتاب، جناب آقای دکتر مجید شمس‌الدین تشکر کنم که در بحبوحه دشواریهای کمرشکن نشر و نیایابی کاغذ، فارغ از هرگونه اندیشه سود و زیان، برای انتشار این کتاب بذل عنایت فرموده‌اند. در ضمن لازم می‌دانم از کوششهای خستگی‌ناپذیر سرکار خانم زینب جهان‌بان

پیشگفتار ۳

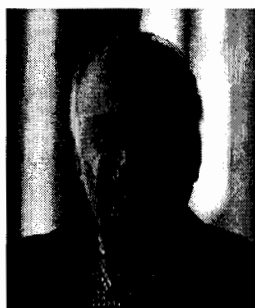
-حروف چین نسخه اولیه- و نیز از حوصله و حسن سلیقه جناب آقای مهدی سلطانی
-صفحه آرای ارجمند این مجموعه- تقدیر و سپاسگزاری نمایم.

احمد کتابی

دی ۱۳۹۷

بخش یکم

ارج نامه‌ها



پژوهشگری ژرف کاو، همه‌سونگر و نکته‌سنج^۱ استاد دکتر ناصر تکمیل همایون

سالها باید که تا یک سنگِ اصلی ز آفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن

هر خسی از رنگ و گفتاری بدین ره کی رسد؟

درد باید مرد سوز و مرد باید گامزن

«سنایی»

به نام خدا و با عرض سلام به حضور استادان و حضار ارجمند و کسب اجازه از محضر آنان عرایضم را آغاز می‌کنم.

در کتاب‌های مبانی منطق نظری خوانده‌ایم که یکی از شرایطِ صحت و اعتبارِ تعریف، آجلی بودن معرّف از مُعرّف است. این سخن به معنای آن است که کلمات و عباراتی که در مقام توضیح و شناساندنِ یک مطلب یا مفهوم به کار می‌رود، باید از موضوع یا متعلّقِ تعریف روشن‌تر، واضح‌تر و گویاتر باشد. این شرط، توسعاً، در مورد معرفتی اشخاص هم، صدق می‌کند. یعنی معرّف یک فرد یا شخصیت، باید از خود او شناخته شده‌تر و یا لااقل هم‌ردیف و هم‌رتبه او باشد. نیک پیداست که در این تعریف یا معرفتی، این شرط نه تنها احراز نشده بلکه معکوس آن صادق آمده است چرا که این معرّف است که باید در پرتو شخصیتِ معرّف شناخته شود.

باری اگر با وجود عدم احراز شرط مذکور، این بنده به خود اجازه و جرأت

تصدیعِ اوقاتِ حضارِ محترم را داده است، صرفاً و صرفاً، به مقتضایِ سالیانِ درازِ ارادتمندی به محضرِ استادِ ارجمندِ جنابِ دکترِ ناصرِ تکمیلِ همایون و نیز، در امتثالِ امرِ دوستِ گرانقدرِ جنابِ دکترِ حمیدِ تنکابنی بوده است؛ اما با توجه به کمبودِ فرصت و این که ممکن است گفتنی‌ها - حتی لازم‌ترین آنها - را نتوان در ظرفِ چند دقیقه با سخن بیان کرد، بر آن شدم که عرایضم را به صورتِ مکتوب به محضرِ شما عزیزان که جملگی از دوستان و علاقه‌مندان به استاد هستید عرضه بدارم؛ اما قبل از پرداختن به اصلِ مطلب، اجازه می‌خواهم، به‌عنوان مقدمه، به طرح یک سوء تفاهم بسیار رایج و نفی آن بپردازم.

همه ما، بارها و بارها، این گفته معروف را شنیده و یا خوانده‌ایم که عمر آدمی بسیار کوتاه است و فرصتِ زندگی بسی اندک؛ تا آنجا که شاعری در تأیید این معنی گفته است:

پرتو عمر چراغی است که در بزم وجود

به نسیم مژه برهم‌زدنی خاموش است

به باور این بنده، سخن یاد شده مقرون به صحت و صواب نیست. در تأیید این مدعا، شواهدِ عدیده‌ای، از گذشته و حال، قابلِ ارائه و استناد است: مگر در طول همین به اصطلاح عمر کوتاه نبوده که حکیم طوس، فردوسی، بزرگ‌ترین کتاب حماسی ایران و حتی جهان - شاهنامه - را با حداقل ۲۵۰ تا حداکثر ۶۰ هزار بیت^۳ (بر حسب روایت‌های مختلف) در ظرف فقط ۳۵ سال^۴ سروده است؟ مگر طی همین عمر کوتاه نبوده که مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی کتاب عظیم مثنوی معنوی را با بیش از ۲۵'۰۰۰ بیت به اضافه دیوان کبیر (شمس)، شامل بیش از ۳۶'۰۰۰ بیت سروده است و افزون بر آن، چندین کتاب و رساله از جمله فیه‌ما‌فیه را هم به رشته تحریر درآورده است؛ آن هم طی عمری فقط ۶۸ ساله (و تازه در نیمه دوم آن). مگر در ضمن همین عمر کوتاه نبوده که شیخ اجل، سعدی، مجموعه عظیم کلیات را با گلستان و بوستان دلکشش و غزلیات دل‌ویزش و قصاید غزایش و با قطعات و مُلَمَّعات و مراثی و مفردات و مثنویات و مثلثات و رباعیات کم نظیرش

به اضافه چندین رساله از آن جمله نصیحة الملوك و مجالس پنجگانه، تقریرات ثلاثه و غیر آن سروده یا نگاشته است؟

اکنون به زمان معاصر پردازیم که از آن هم، شواهد متعددی از عمرهای پربرکت و آکنده از دستاوردهای باور نکردنی می‌توان سراغ گرفت که در اینجا، من‌باب رعایت اختصار، تنها به ذکر چند مورد اکتفا می‌شود:

۱- شاعرة گرانقدر روانشاد پروین اعتصامی که طی عمر بسیار کوتاه ۳۵ ساله‌اش، آن همه قصاید غزّاً و منظومه‌ها و قطعات و مناظره‌های بدیع را که به حدود ۳۵۰ صفحه چاپ شده بالغ می‌شود، سروده است.

۲- علامه فقید علی اکبر دهخدا، سترگ مرد فرهنگ و ادب ایران زمین، و مؤلف کتاب عظیم و بی‌نظیر لغت‌نامه دهخدا (با بیش از ۲۷۰۰۰ صفحه بزرگ رحلی با حروف ریز) و نیز امثال و حکم (در ۴ جلد در ۲۷۰۰ صفحه) و دیوان اشعار و طنزنامه چرند و پرند و تصحیح دیوان‌های چندین تن از سخن‌سرایان فارسی و چند کتاب دیگر و نیز هزاران هزار یادداشت منتشر نشده. شایان توجه است که طول عمر این بزرگمرد، با این همه دستاوردهای خارق‌العاده، حدود ۷۶ سال بوده است.

۳- استاد فقید ایرج افشار صاحب بیش از ۲۰۰ جلد کتاب اعم از تصنیف، تألیف، تصحیح و غیره و حداقل ۳۰۰۰ مقاله با عمری حدود هشتاد و اندی سال و با مدرک تحصیلی احتمالاً فوق لیسانس.

۴- استاد علامه کامران فانی - بزرگمردی که به واسطه بی‌ادعایی و فروتنی و حُجب کم‌نظیرش، قدر و منزلت والایش تا حدود زیادی مجهول و مغفول مانده و به تعبیر استاد ابوتراب سیاهپوش، از نظر ادای زکات علم^۵ و در اختیارگذاشتن بی‌دریغ و بلاعوض دانسته‌ها، یافته‌ها و رهنمودهای ارزنده‌اش به طالبان دانش طی حدود ۴۰ سال واقعاً عظیم‌الظنیر است. مشارالیه صاحب ۲۵ کتاب اعم از تألیف و ترجمه و دارای تجربه سرپرستی و مدیریت علمی و یا مشارکت در تألیف و تنظیم ۷ دائرةالمعارف معتبر از قبیل دائرةالمعارف تشیع (که تاکنون ۱۵ مجلد آن چاپ شده است) و دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (که تاکنون ۱۸ جلد آن منتشر شده است) و

دائرة المعارف دانش گستر (در ۱۸ مجلد) و چهار دائرة المعارف دیگر و نیز مشارکت در تحریر بسیاری از مقالات و مدخل های آنها و همچنین نگارش ۲۵۰ مقاله دیگر است. عمر پربرکت این پژوهشگر فرهیخته، تا این زمان، بالغ بر هفتاد سال و آخرین مدرک تحصیلی ایشان فوق لیسانس است.

۵- استاد بی بدیل و حافظ شناس و قرآن پژوه شهیر و مترجم و مصحح و فرهنگ نویس کم نظیر بهاء الدین خرمشاهی، صاحب حداقل ۵۰ عنوان کتاب که اکثر آنها به کرات تجدید چاپ شده و نیز حدود ۱۰۰۰ مقاله. در اینجا، به رغم نبود فرصت، دریغ می آید از ذکر خاطره ای شگفت انگیز و عبرت آموز از این استاد پر اثر و به غایت فروتن صرف نظر کنم:

حدود ۲۰ تا ۲۵ سال پیش، در دوره پر ثمر ریاست مرحوم دکتر محمود بروجردی بر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به دستور ایشان، مدارک لازم را برای صدور حکم ارتقای استاد خرمشاهی به مرتبه استادیاری به وزارت علوم ارسال داشتند. جای بسی تعجب و تأسف است که مسئول وقت بخش ارتقاء وزارتخانه مذکور، به دریافت فهرست آثار عدیده ایشان قانع نشد و از پژوهشگاه ارسال عین تألیفات ایشان را درخواست کرد. مرحوم دکتر بروجردی هم، برای این که به مسئول یا مسئولان این عمل، درس شایسته ای داده باشد، دستور داد تمام آثار چاپ شده ایشان تا آن زمان را به وزارتخانه متبوع ارسال دارند. شاهدان عینی تعریف می کردند که روزی که می خواستند مجموع آثار ایشان را برای مسئول مربوطه ارسال دارند، یک وانت بار، تا سقفش از کتابها و مجلات حاوی مقالات ایشان مملو شده بود. آنچه گفته شد تازه مربوط به ۲۵ سال پیش است و قدر مسلم این است که از آن زمان تاکنون، آثار پرشمار دیگری از ایشان به چاپ رسیده است. حال کارنامه درخشان و پر بار این استاد فرزانه را با دستاوردهای اندک کسانی نظیر بنده کمترین مقایسه فرمایید که مثلاً به مرتبه به اصطلاح استادی رسیده و با آن بازنشسته شده ایم ولی ایشان با آن غنای باورنکردنی آثار و باقیات الصالحاتی نظیر حافظنامه و ترجمه قرآن کریم و فرهنگ عظیم چند جلدی انگلیسی به فارسی که اخیراً انتشار یافته است

و ده‌ها اثر ماندگارِ دیگر، به دلیل این که درجهٔ دکترا نداشتند! در همان مرتبهٔ استادیاری باقی ماندند و با آن بازنشسته شدند.

این که نگارنده، در این نوشتار، مخصوصاً آخرین مدرک تحصیلی این بزرگواران را ذکر کردم به خاطر آن بود که کمی بیشتر به توالیِ فاسدِ این مدرک‌گراییِ خطرناک که همچون بختکی بر آموزش عالی ما چنگ انداخته و آن را از درون تهی و پوک ساخته است بیندیشیم به خصوص که اخیراً با کمال تأسف، اهالیِ حوزه‌های علمیه و دولتمردان و حتی صاحب منصبان نظامی ما را هم به شدت مبتلا کرده است. باری! جای آن دارد که یک بار و برای همیشه، به این واقعیت مسلم اذعان کنیم که کسب مدارکِ به اصطلاح عالیِ تحصیلی الزاماً برای کسی سواد و فرهیختگی نمی‌آفریند؛^۷ کما این که مفاخرِ عظیم‌الشانى امثال شادروانان: جلال‌الدین همایی، عبدالعظیم خان قریب؛ بدیع‌الزمان فروزانفر و نظایر آنها حتی لیسانس و بعضی شاید دیپلم متوسطه هم نداشتند؛ ولی بدان مراتب عالی از فضل و کمال نائل شده بودند.

ناگفته نگذارم که جای آن داشت در این گفتار از شمار دیگری از استادان سرآمد و پرائر امثالِ روانشادان دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، دکتر منوچهر ستوده و نظائر آنها و نیز استادانی که هنوز سایهٔ پر برکتِ ایشان بر ما مستدام مانده است، نظیر استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و غیره هم پادی می‌شد، ولی متأسفانه، مجالی باقی نماند. باشد که در فرصتی دیگر این کوتاهی ناخواسته جبران شود.

حضار گرانقدر! گمان می‌کنم با توجه به نمونه‌های بارزی که به عرض رسید، اکنون قطعاً تصدیق می‌فرمائید که عمر متوسط آدمی، در واقع امر، کوتاه نیست. آنچه کوتاه و قاصر است همت و اراده و پشتکار امثالِ بندهٔ ناچیز است و الا طی همین ایام کوتاه عمر، چه دستاوردهای عظیمی که حاصل کردنی است و چه معجزه‌ها که می‌توان آفرید و اینجاست که این سخنِ صائبِ ویلیام جیمز - فیلسوف شهیر آمریکایی - متبادر به ذهن می‌شود که می‌گوید: «ما انسان‌ها، در طول زندگیمان، حتی در بهترین شرایط، فقط از ۱۰ درصدِ توانایی‌های فکری و مغزی‌مان استفادهٔ مطلوب می‌کنیم.»



سخن کم‌کم به داراز کشید و مقدمه بر ذی‌المقدمه بیشی گرفت ولی گمان می‌کنم جای نگرانی نباشد چرا که به مناسبت و به بهانهٔ تجلیل از دکتر تکمیل همایون؛ از دغدغه‌هایی سخن رفت که یقیناً مورد نظر و تأکید ایشان هم بوده و هست و از اساتید و مفاخری ذکر خیر شد که از حُسن اتفاق، اکثر آنها از دوستان و یارانِ دیرین و حتی همشهری‌های استاد تکمیل همایون بوده‌اند و هستند. اما در هر صورت، نباید از یاد ببریم که موضوعِ اصلیِ سخنِ امروز، توصیفِ شخصیتِ والای علمی و توفیق‌های علمی چشمگیر استاد ارجمند دکتر ناصر تکمیل همایون است که این مجلس، به استحقاق تمام، به پاس و برای بزرگداشت ایشان برپا شده است.

از این رو، از شما دعوت می‌کنم، به اتفاق، به حاصل تلاش‌های علمی ۶۰ سالهٔ این مرد بزرگ و خدمات بی‌دریغ و فراموش‌ناشدنی‌اش به فرهنگ و ادب ایران‌زمین نظری بیفکنیم:

تألیف بیش از ۲۰ جلد کتاب، نگارش متجاوز از ۲۰۰ مقاله، راهنمایی، مشاوره و داوری ۱۳۵ پایان‌نامهٔ دکترا و کارشناسی ارشد و از همهٔ اینها مهم‌تر و اساسی‌تر، بنیان‌گذاری، سرپرستی و مدیریت و نظارتِ پیگیر و صفحه‌به‌صفحه بر مندرجات مجموعه کتاب‌های از ایران چه می‌دانم؟ که یادآورِ مجموعهٔ معروف چه می‌دانم؟ (Que - Sais - Je?) به زبان فرانسه است^۱ و تا کنون ۱۳۰ جلد آن منتشر شده است. امید است که با همتِ والای جناب آقای محمود خوشنویس - مدیر کوشای «دفتر پژوهش‌های فرهنگی» - این کارِ عظیم فرهنگی که به منزلهٔ یک دائرةالمعارف معتبر ایران‌شناسی برای همگان - به ویژه جوانان - است، تا انجام، ادامه یابد.

این نکتهٔ بسیار مهم را هم نباید ناگفته گذارد که این همه خدمات و تلاش‌های علمی و پژوهشی باورنکردنی در شرایطی صورت گرفته است که مشارالیه در جریانِ زندگی پرنشیب و فرازش در معرضِ دشواری‌ها و مصیبت‌های متعددی قرار گرفته که از جملهٔ آنها گرفتاری چهار سالهٔ ایشان بوده است که خود ایشان، با نکته‌سنجی، از آن به «سفر بسیار طولانی حج» تعبیر می‌کرده‌اند و می‌کنند و نیک پیداست که اگر

این مصائب پیش نیامده بود، آثار ایشان چند برابر شده بود. به هر تقدیر، خداوند متعال بر ما و بر تمام وطن‌خواهان و ایران‌دوستان منت گذاشت و وجود ارجمند دکتر تکمیل همایون را، در کنف حمایت خود، از خطرات مسلمی که در مسیر زندگی‌اش کمین کرده بود، به فضل و عنایت خود، رهانید تا او بماند و برای ما، و برای ایران عزیزش، بیش از پیش افتخار بیافریند.

در پایان، از جانب خود و به نیابت حضار محترم، برای استاد ارجمند و نیز برای همسر فداکارش، مهین بانو، که در طول زندگی مشترکشان - به ویژه در گرفتاری چندساله ایشان - متحمل آلام و مصائب فراوان شد و نیز برای فرزند برومند و خَلَفِ صدقشان، نادر عزیز، که او هم در افتخارآفرینی دست کمی از پدر ندارد، از پیشگاه ایزد منان طولِ عمرِ با عزت، شادکامی و بهروزی آرزو می‌کنم به منته و کرمه.

پی‌نوشت‌ها

۱. متن خطابه‌ای که قرار بود توسط نویسنده، به نمایندگی از پژوهشکده مطالعات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در مراسم تجلیل از استاد دکتر تکمیل همایون قرائت شود؛ ولی به واسطه کمبود وقت، به خواندن بخش پایانی آن اکتفا شد و اکنون به صورتی مبسوط‌تر ارائه می‌شود.
۲. برآورد استاد دکتر جلال خالقی مطلق.
۳. برآورد اکثر شاهنامه‌پژوهان.
۴. مأخذ: دائرةالمعارف فارسی دکتر غلامحسین مصاحب.
۵. اشاره به حدیث معروف «زکوة العلم نُسرة» (زکات دانش، نشر آن است).
۶. مأخذ آمارهای یاد شده: استاد کامران فانی. ناگفته نماند که بعضی از صاحب نظران آشنا با شخصیت‌های یاد شده، شمار آثار آنان را بیش از برآورد استاد فانی می‌دانند.
۷. صرف نظر از کاربرد بجا یا نابجای عناوین «استاد» و «دکتر»، این روزها استفاده از عنوان «پروفسور» هم رواج یافته و مزید بر علت شده است. بدیهی است که کاربرد این عنوان درباره کسانی که واقعاً شایستگی آن را دارند، نظیر پروفسور فضل‌الله رضا، پروفسور عدل، پروفسور هشترودی و دکتر مهدی گلشنی و امثال آنها، کاملاً موجه و بمورد است، ولی در

برخی موارد، استفاده از آن، متأسفانه، جنبهٔ تفاخر و اشرافیت علمی به خود گرفته است و چه بسا در مورد افرادی به کار برده می‌شود که فاقدِ حداقلِ صلاحیت و استحقاق برای این لقب آکادمیک هستند. ناگفته نماند که واژهٔ «پروفسور» در زبان فرانسه، (صرف نظر از عنوان آکادمیک) اصلاً به معنای معلم در سطوح مختلف - حتی در مقطع ابتدایی - است.

۸. مأخذ آمارها: دکتر ناصر تکمیل همایون.